

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

1500 واژه بر کاربرد در زبان انگلیسی

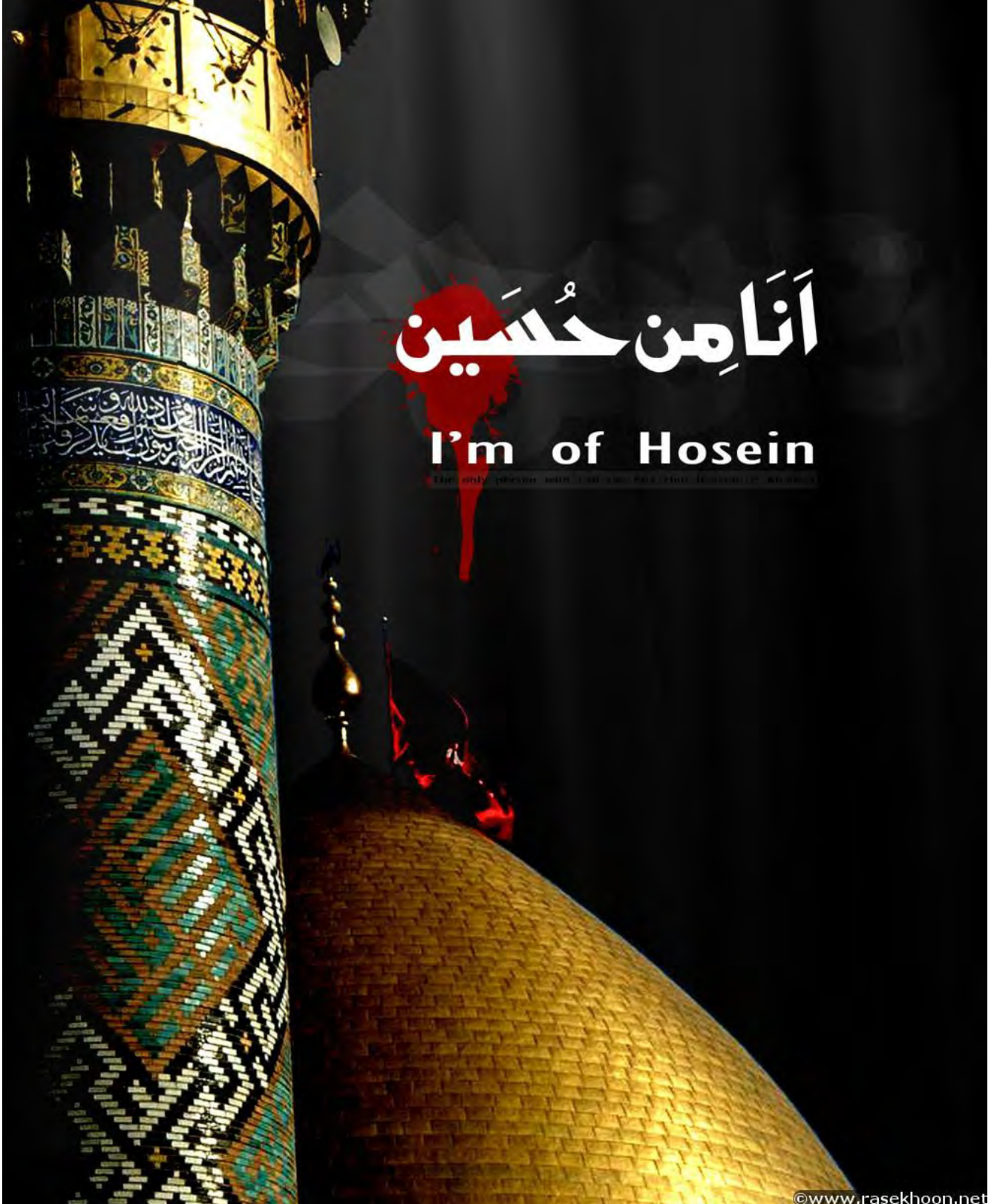


گردآورنده و مترجم: پوریایری

به نام خداوند بخشنده و

مهربان

تقدیم بہ روح پاک و مطہر سید الشہداء امام حسینؑ و یاران باوفائش



کرد آوزند و مترجم: پوریا برزعلی (زاد)

منبع: www.englishspeak.com

پاییز 1392

محرم 1435

«حق چاپ محفوظ است، اسفند مذکور بجمع مجاز است»

یا حکیم و یا قادر

هت بلند دارا کر شاه زاده ای	قلع مشور شاه که تلج و کمر دهد
برکن تو جامه ها و در آب حیات رو	تا پاره های خاک تو لعل و کمر دهد
بکریز سوی عشق و سپر نیز از آن بتی	کو دلبری نماید و خون جگر دهد
در چشم من نماید خوبی بیچ خوب	تقاش جسم، جان را ضیعی صورت دهد

دیوان شمس، مولوی

مقدمه:

سپاس بی کران شایسته خلود عز و جل کاف و فایده هر آن چه هست و نیست ملت، خداوند حکیم و قدری کگمر امان ربلد رلهی گردان دن آنگه فریب غرور و راهلدی خود را خوره انهبی راه!

مجموعه‌هایش روی شما دوست، خزانده و لنش جوی گرامی یکی (اولین) از سگان حکمت یعنی جان ب در باب زبان آموزی می‌بشد که بصورت رنگان چاپ و در دسترس هگان قرار داده ام (حق چاپ محفوظ ملت، لتفاده با کر هنع مجاز است) تا بر طوقه توصیه م الی مردان حضرت اهرال مؤهین علی) عفت به برای هر چیزی کندی ملت و نکات غیگسترش دادن آن می‌بشد (و کتاب بخشی از فلتشرا گرفتار خود را دادم بثل م.

جای دارد که در هت های طنس خن و دبتدای طن کتاب از ول هینم و سپس از دو خواهر عفرم و دوستلانی که هموار هبنده را غرق درت و صریه و تشویق های گومشان کرده ان تشکر ن طم اقلان بچ اب سرفنگ بچار بحدوی و م حمد ملی بچفیان.

مشق ان منظر دو فلت تعلق ادات پوی شن هادانتس از ندهش ما دوست گرامی هستم.

پوری لبر زغی (زراد)

پای ز 2931

م حرم 2391

A

able	توان (توانه) / جاکاری، قادر
about	دباره ی
above	الافسوق
accept	پنفتن
accident	تصادف
accompany	همراهی کردن
action	حرکت
actor	بازیگر
actually	در حقیقت
add	لطفاً کردن به اضافه
address	آدرس
adjective	سفت
adverb	حالت قیدی
advertisement	تبلیغات
afraid	ترسیدن تلفس
Africa	افریقا
after	بعد از
afternoon	بعد از ظهر
afterwards	پس از آن بعد از آن
again	دباره
against	مقابل، متضاد
agree	موافق بودن
air	هوا
airplane	هواپیما
airport	سروگاه
all	همه
allergy	آلرژی
allow	اجازه دادن

allow	اجازه دادن
almost	تقریباً
almost	تقریباً
alone	تنها
already	قبلاً پیش از این
alright	بسیار خوب
also	همچنین
always	میشه
America	آمریکا
American	آمریکایی
and	و (حرف ربط)
angry	عصبانی (کردن)

B

baby	بچه
back	عقب (پشت) بدن)
back	عقب (پشت) بدن)
backpack	کول پشتی
bad	بد
bad	بد
badly	بطور بد
bag	کیف
ball	توپ
banana	موز
bank	بنک
bar	پله
basket	سبد
basketball	بسکتبال
bathe	بستن و شستن کردن، استحمام کردن
bathroom	حمام
battery	باطری
be	حاضر فعل بودن، موجود هشون، بودن شدن
beach	ساحل دریا
bean	لوبیا
beard	ریش
beautiful	زیبا
beautiful	زیبا
because	چونکه، بله بله بله
become	شدن
become	شدن
become	شدن
bed	تخت خواب

bedroom	تاق خواب
beef	گوشت گاو مبیف
beer	بلیج
before	قبل از
begin	شروع کردن
beginner	تازکار
behind	شت، عقب
believe	باور کردن
below	زیرتحت
belt	کمربند
beside	کنار
best	بهترین
bet	شرط بستن
better	بهتر
between	بین دو چیز/امر
bicycle	دوچرخه
big	بزرگ
bill	اسکناس
bird	پرند
birthday	روزتولد
bite	گرفتن
black	سریاه
blanket	پتو
blind	کور، نابینا
blood	خون
blouse	پیراهن بلیوز
blue	بلبی ناراحت، غمگین
boat	قطاق
body	بدن
book	کتاب
borrow	بض گرفتن
boss	رئیس
Boston	بوسٹون
both	هر دو
bottle	بطری
bowl	کاسه

box	جعبہ
boy	بچہ
boyfriend	سہووت پسر
bracelet	لاٹنگو
brain	مغز، مخ
bread	نان
break	کستن
breakfast	صبح لہ
breathe	فکیشی دن
bridge	پل
bring	آوردن
Britain	بریتانیا
broke	ورشکنتہ ہی پول
broken	گنستہ شدہ و نچ طع غنصل
broken	گنستہ شدہ و نچ طع غنصل
brother	برادر
brown	ق ہوہ ای
brush	مس واک برسک فاش و لباس
bucket	سطل
buddhist	بوٹھی
build	س اتھان
building	س اتھان
burn	سو تھن
bus	بٹوس
busy	شروغ مشغول
but	اما
butter	کرہ
buy	خری دن
by	بوسی لہ

C

cabbage	کلم
cafe	کافه
cake	کیک
calculator	لکھن حساب
California	کیلیفورنیا
call	تم اسل ٹیفن (گھر) فٹن)
came	آنا (come) آنا
camera	دوربین
can	سرو
Canada	کاناڈا
Canadian	کانیڈین
cancel	لغو کرنا، کنسل کرنا
cancer	سرطان
candle	شمع
candy	شیرینی
capital	پایتخت
car	کار
card	کارت (بازی یا عضویت)
care	پرستاری، مہربانی
careful	مواظب
carefully	با احتیاط، مواظب،
carpet	پشم، فرش
carry	حمل کرنا
cash	پول نقد
cassette	کاسٹ
cat	گھبرا
catch	پھنسا
cd	سی ڈی (موسیقی)
center	مرکز

Centimeter(s)	سانتی میٹر
Cent(s)	سنت کھ مع ادلی ک صدم الر امولئی ی سنت
certainly	بھام، مطہنا
chair	صندلی
chance	شیل سبخت واقبال
change	عوض کردن
change	عوض شدن
channel	کانال
Character	شخصیت
cheap	ارزان
check	بررسی بورس ی کردن چک بلیکی
check	بررسی بورس ی کردن چک بلیکی
cheese	پنیر
Chicago	شیکاگو
chicken	جوجه
child	بچه
children	بچہ ہا
China	چین
chocolate	شاکلت
choose	انتخاب کردن
chopsticks	چھلہ ہا یچ و بی کھ چین ی ہلبرای خوردن بن جاز ان لتوف اده ہلنند
Christian	مسیحی
Christmas	کریسمس
church	گلیسا
circle	دائرہ
city	شہر
class	کلاس
clean	تھیز کردن)
clean	تھیز کردن)
climb	بلورفتن
clock	ساعت

close	بسته بست (معطلی) نزیک
closed	مست دو بست ته، ممنوع ال ورود
clothes	لباس
cloudy	بری
club	کلوپ
coat	کت
coffee	قهوه
cold	سرد
cold	سرد
college	هکار
color	رنگ
comb	شانه
come	آمدن
comfort	راحت، آس و گبی، آس طیش
comfortable	راحت
common	عمومی معطلی، عادی
company	کمپنی
complain	شکایت کردن
complete	کامل
complicated	پیچیده
computer	کامپیوتر
confirm	تایید کردن، تصدیق کردن
confused	گیج، سردرگم
congratulations	تبریک گفتن)
congratulations	تبریک گفتن)
consider	سویکی کردن، بررسی کردن
container	سندوق و فلزی بزرگ بلان دازه های تانداریک ه جهت حم کالباکاهون کلیتور، جبه حاوی و سطل
continent	قاره
convenient	راحت، فیلرب
cook	پختن
cook	پختن
copy	کپی گرفتن)
copy	کپی گرفتن)

copy	کپی گرفتن
cord	ساقه
corn	ذرت
correct	صحیح، درست
cost	ارزش
cotton	کتان پنبه
couch	زنجک
cough	سرفه کردن
could	زمان لمضی و بلرم فمع و لف عمل (can) نتیجه آن است
count	شمردن
country	کشور
CURSE	فحش کردن
cover	پوشانیدن، لحد کردن (پوشش)
cow	گاو ماده
co-worker	همکار
crash	تصادف کردن
create	خلق و ایجاد کردن
crowd	جمعیت
cry	گریه کردن
cup	فنجان
custom	رسوم، سنت،
custom	رسوم، سنت،
customer	مشتری، ارباب رجوع
cut	قطع کردن میوه

D

dad	پدر مہلہا
dance	نقص یدن
dangerous	خطرناک
dark	تیره
date	خرما تاریخ
daughter	دختر
day	روز
dead	مردہ
December	دس امپر
decide	تصمیم گونتن
deep	عمیق
definitely	یقیناً
degree	درجہ
delete	حذف کردن
delicious	خوش مزہ
deliver	تحویل دادن
dentist	دن دپزشک
deodorant	بوز دلبر طرفکن ندموی بد، مادہ فلعبوی بد
dessert	صحرا
develop	توسعہ پشیرفت
dictionary	فرہنگ لغت
did	(زمان لمض یفعل do، کرد، انجام داد)
did	(زمان لمض یفعل do، کرد، انجام داد)
different	تفاوت
difficult	سخت، غامض
dinner	شام
dirty	ثیف، آلودہ

disappoint	لھی وس کردن نژدن، ن ظلم کردن نژدن
discount	تفخ (تخفیف) دادن
distance	مسافت، دوری
divide	قسری کردن
divorce	الگرفتن
do	انجام دادن
doctor	کتر
dog	سگ
dollar	الر
done	انجام شده، وقوع یافته
door	درب
down	پلهن
download	دانلود کامپیوتر مرکز بزرگهسی سیستم کامپیوتر کوچک و دور بارگیری
downstairs	پلهن
downtown	مرکز شهر
drag	کشیدن (چیز سنگینی که روی زمین کشیده شود)
draw	کشیدن، رسم کردن
dream	رویا خواب دیدن
dream	رویا خواب دیدن
dress	پوشیدن (پوشاک)
dress	پوشیدن (پوشاک)
drink	نوشیدن نوشیدنی
drive	رانندگی کردن سواری کردن
drive	رانندگی کردن سواری کردن
dragon	اژدها
dry	خشک کردن
dry	خشک کردن
dryer	خشک کن
duck	اردک

during	در مدت، در هنگام، در جریان، در طی
--------	-----------------------------------

E

ear	گوش
earlier	زوتتر
early	زود
earrings	گوشواره
east	شرق
easy	آسان
eat	خوردن
effort	الش
egg	تخم مرغ
electric	الکترونیکی برقی
electricity	برق، نیروی کهربائی، الکتی سرت ه
elevator	آسانسور
email	پست الکترونیکی
embarrassed	خجلت دادقش ر مس ارش دن
embassy	سفارت
employee	کارمند
empty	خالی
enough	الغبی بس ب ان دازه الغبی
enter	داخل شدن، وارشدن
entrance	ورود، ورودی
envelope	اکت نامه
equal	مساوی برابر
Europe	اروپا
evening	عصر، غروب
every	هر، همه
everybody	هرکس هرکسی
everyday	هر روز
everything	هر چیزی
example	الغحان
excellent	خوب، ممتاز بسی ار خوب
except	بجز بلسنتق ای

excuse	عذربلہ
exercise	تمرین ورزش
exit	خروج، خروجی
expensive	گرا (قیمت)
expert	مہر، متخصص
explain	توضیح دادن
extremely	بسیار زیادہ
eye	چشم

F

face	صورت، چہرہ
fact	حقیقت
factory	کارخانہ
fake	الہی
fake	تقلیبی
fall	فتادن سقوط کردن
false	غلط، نادرست
family	خاندان
famous	مشہور، معروف
far	دور
farm	مزرعہ
fashion	مُد
fat	چاق
father	پدر، باپ
fax	دورنامہ
february	فروری
feed	خوردن خوراک دادن، غذا دادن
feel	احساس کردن
fever	تب
field	میدان صحرا، دشت
fight	جنگ، جھگڑا
find	پیدا کردن، کھنڈن
finger	انگشت
finish	تمام کردن، ختم کردن

finish	پیلان، نٹام
finished	پیلان
fire	نٹش
fish	م اہی
fish	م اہی
fit	ان داز ہون
fix	تعمیر (ت) کردن نڈدن)
flag	پرچم
flat	صاف و مسطح
flight	پرواز (کردن)
floor	کف (زہن) بطبقہ
flower	گل
fluent	روان، بلیسی فصیح
fly	پرواز کردن
fog	مہ
food	غذا
fool	ن ادان، احمق، بلبلہ
foot	پا
foot	سوت ہمی اس طول رنگی سی معادل پ پٹنچ)
for	برای
foreign	خارجہ
foreigner	گاہ، خارجی
forget	سراموش کردن
fork	چنگال
forward	ہل و، بہ لحو ارسال کردن
found	(زمان لمضی و تلف عول Find)
France	فرانسہ
free	آزاد
free	مہجانی، رنگان
free-time	زمان آزاد
friday	پنہ، جمعہ
fried	نڈشت فعل Fry (سرخ کرده)
friend	سوت، رفیق
from	از بواسطہ
front	لحو و بطرف لحو
fruit	میوہ
fry	سرخ کردن

full	پلش ته پرگردن / شدن (، لپړوز
funny	ضحك
future	وآن ده

G

game	بازی کردن)
garbage	شغال
garbage	زباله
garden	باغ
gas	گاز
generally	بطور کلی، معمولاً
Germany	آلمان
get	بست آوردن گرفتن
gift	هدیه (دانگرفتن)
girl	دختر
give	دادن
glad	خوشحال
glass	شیشه
glass	آهوان
glasses	عینک
glove	دستکش
go	رفتن
goal	هدف
goat	بُر
gold	ال
golf	بازی گلف
good	خوب
goodbye	خدافظ
government	دولت
grade	ست مبدی کردن طبقه بنی کردن کلاس کردن نمره) دادن)
graduate	دارفارغ التصلی شدن
grandfather	پدربزرگ
grandfather	پدربزرگ
grandmother	مادربزرگ

grandmother	مادربزرگ
grass	بُخف، چمن
grateful	سپاسگزار، مفيون
gray	(رن گ) (بجستري)
green	(رن گ) (سبز)
ground	زهن
group	گروه
grow	شد کردن بزرگ شدن
guarantee	ضمانت کردن)
guest	مهمان
gum	بته آدامس
gun	فنگ
gym	باشگاه ورزشی

ن

hair	مو
hairbrush	بروس موی سر
Hail	تگرگباری دن)
hamburger	همبرگر
hand	ست
happy	خوش حال
happy	شادمان
has	دارد
hat	الیه
have	لشتن، دار بودن
he	او (ان مرد)، چلورنر
head	سر
headache	سر درد
headphones	سوشی (فون)
hear	شنیدن
heart	قلب
heat	گرم (گرمی) حرارت)
heater	بخاری
heavy	سنگین
height	لن دیر، بلتفاع، جایی تموع
hello	الم
help	کمک
help	کمک کردن
help	رافم) به عنوان مثال در منوی برنام-ه- هالمپیوتری)
here	طنجا، در طنجا
her's	مال زن) فرق هان her و hers طنست كه her همیشه با موص وگفته میشود ولی hers طنها و بطور مطلق بکار می رود)
herself	خودش) (لزن)، خود ان زن، خودش را
high	بلند

highway	بزرگ راه
hike	پیاده روی
hill	تپه
himself	خودش، خود او (درحالتکلید، خود) ان مرد)
his	ضییر لک یس و م ش خ ص م ف ر د م ل ک ر، مال او (مرد)، مال ل مرد
history	تاریخ
hit	س ر ب ت ط ل ا ب ت ک ر د ن ب ه
hobby	عادت
hold	نگه داشتن
hole	حفره، سوراخ، گودال
holiday	تعیالت
home	خانه
homework	تکلیف خانه، مشق
hope	امید
horse	اسب
hospital	بیمارستان
hot	گرم، داغ
hotel	نقل
hour	ساعت
house	خانه
how?	چگونه؟، چگونه؟
hug	بغل کردن
hungry	سرسنه بودن)
hurt	سبب رساندن
human	انسان
hood	الک دوکش کپلوت لیشین
honey	عسل
husband	شوهر

ا

	کتہ پیشود)
ice	یخ
ice-cream	بستیقی
idea	ایده
if	اگر
t imagine	تخیل کر دینا (تخیل کر دینا)
immediately	سورا
immigration	مہاجرت
important	مہم
impossible	غیر ممکن
impressive	مہربانی کی زنہ احساسات گہرا
inch	انچ (مقیاس کی ہر بلبر 1.13 سینٹی میٹر می بلش د)
include	شامل شدن / ابودن
individual	شخص، فرد
information	طالعات
inside	داخل، درون
insomnia	بی خوابی
insurance	بیمہ
interesting	جالب
Internet	انٹرنیٹ
interrupt	حرف گیری یا قطع کردن، وسط حرف دیگری پوی دن
introduce	عرفی کردن
invent	اختراع کردن
iron	آهن لٹو کردن
is	ہے (ت) سومش خصم فرد اوق عمل)
island	جزیرہ
it	آن، آن چیز، آن جگہ، او شخص سومش خصم مرد)

ج

jail	زندان
January	انوی، اولین ماہ سال مسیحی
Japan	ژاپن
Japanese	ژاپنی
Jewel	جوہر
jeans	شلوار جینی، فلستونین خی
Jewish	یہودی
job	کار مشغلی شہ
joke	لہفہ
July	ماہ ژوئی
jump	پریدن، سجت زدن
June	ماہ ژوئی پین جین ماہ سال مسیحی
just	سقطتقہا

ک

keep	نگهاری کردن نگه داشتن
key	کلید
kid	کودک بچه
kill	کشتن بقتل رساندن
kilo	یک کیلوگرم (معادل هزارگرم)
kilometers	کیلومتر (معادل 2111 متر)
king	پادشاه
kettle	کتری
kiss	بوسه بوسیدن
kitchen	آشپزخانه
knife	چاقو
know	دانستن
know	شنیدن

L

lack	فقداق فقل هو دن
lake	دری اچه برکه
lamp	لامپ
language	زبان (زبان سن گوی)
laptop	لپتاپ،
large	سی ع، ج ادار پهن بزرگ، حجم
last	آخرین
late	هرش دن
later	بعدا
laugh	خندی دن
laundromat	لشینی لیاش وی
law	قانون
lawyer	وکیل
Leader	رهبر پیش آنگ
lazy	تنبل
learn	یگرفتن، آموختن
leather	چرم
leave	رهسپارش دن، عازم شدن ره لکردن، سبگ شردن از
Lesson	درس (دادن)
left	چپ (سمت چپ)
leg	پا
lend	قرض دادن
less	کمتر
let	اجازه دادن
level	سطح متراز ، میزان

letter	نامہ
letter	حرف، طباء، حرف، حرف چلی
library	کتب خانہ
license	گواہی نامہ
lie	دروغہ رفتن
lie	از کشیدن
life	زندگی
life-jacket	لیقہ نجات
light	نور
light	سریک وزن
Lift	لن کردن
like	دوست داشتن
listen	گوش دادن / کردن
liter	لیتر
Lighter	سندک
little	کوچک
live	زندہ، زندہ بودن
lock	قفل کردن / بند کردن
long	طالنی بلندی
look	نگاہ کردن
lose	گم کردن / مفقود کردن
lose	ل (شدن) / کردن (ش)
lost	گمشدگی
lotion	
lots	
louder	لن تر
love	عشق
low	
luck	
luggage	
lunch	نهار، ظهر

M

magazine	مجله
mail	نامه (دانگه گارفتن)
major	مهم
majority	کثرت
make	ساختن
magic	جادو، سحر
make-up	آرایش کردن، گوی کردن
male	مرد، جنس نر
mall	مرکز خرید، پیس از
man	مرد
manage	مدیریت کردن
manager	مدیر
many	بسیار، زیاد
map	نقشه
March	ماه مارس
market	بازار
marry	عروسی کردن (با)، ازدواج کردن
midway	نیمه راه، وسط راه
match	همان نظر، جور بودن با کبورت
math	ریاضی
matter	موضوع
May	ماه مه
maybe	شاید
me	(در حالت فعلی (مرا بمن
mean	معمی و فهم موم، معمی دادن هملگن
meat	گوشت
Mecca	مکه، معظمه
medicine	دارو
meet	ملاقات کردن

meeting	لمجلسه
menu	فہرست خوراك، صورت غفہ فہرست قباخ اب
metal	لملز
meter	نقہر (معادل 211 سقمتی نقہر)
Mexican	مکزیکی
Mexico	مکزیک
microphone	میکروفن
microwave	میکروویو
middle	وسط، میان چیزیں
middle age	میان سال
mile	میل (برابر با 1.609344 کیلومیٹر، مقیاس سرنجش مساافت)
milk	شیر خورگی
mind	ذهن
mine	مال من معدن
minute	دقیقہ (معادل 60 ثانیہ)
mirror	طونہ
Miss	دوشیزہ سم کردن از دست دادن احسان بقدان چیزیں کسی را کردن، لتن گشدن
mistake	اشتباه کردن)
Mister	قا (مخصر آن Mr. ملت)
modern	نویں، امروزی، لئون، جدید، مدرن
Monday	دوشنبہ
money	پول
month	ماہ (ماہی سال)
moon	ماہ آسمان
more	یشتر، زلتر بیس
morning	صبح
most	یشترین، زلتری بیس از ہمہ
mother	مادر
motorcycle	موتور سیکلت
mountain	کوه، کوهستان
mouth	دهان
move	حرکت کردن)

mouse	موش
movie	فلم
Mrs.	خانم بیلو
much	زیادہ (بسیار خلی لی) (غیر قابل شمارش)
muscle	مہیچہ، عضلہ
museum	موزہ
music	موسیقی
Muslim	مسلمان
must	بیلد
my	مال من، تعلق قبیل من و ہبوط بیل من
myself	خو دم، شل خص خو دم

N

name	نام
napkin	دستمال
narrow	باریک
natural	طبیعی
near	کنار نزدیک
nearby	نزدیک
necessary	ضروری، الزم
neck	گردن
necklace	گردنبند
need	لازم لشتن، احتیاج لشتن
neighbor	همسایه
never	هگز، ہی چوقت
new	جدید، نواتازہ
newspaper	روزنامہ
next	بعد، سپس بعد از
nice	زیباقشنگ خوب
night	شب
nighttime	شب، شب‌انگاہ ہی یعنی از غربست پلیدی دہدم)
no	نہ، نخر
nobody	هی چکس
noise	سروصدا پارات
noisy	سروسو صدا، شلوغ
none	هی چ، ہی ک، ہی چکدام،
non-smoking	نخرسریگاری
normal	معمولی، نرمال
north	شمال (جهت جغرافیعی)
nose	بینی
not	نہ نخر، حرف نفی

note	ی ادنشت كردن
notebook	دفتری ادنشت
nothing	هیچ، رهیتهی
notice	شیرن اشن
noun	اسم، نام، موصوف
November	نوالبر، نام ماهی از دهم فلبرن گی
now	حال، گنون
nowhere	هیچ ج ا، هیچ ك ج ا، در هیچ مكان
number	عدد

O

ours	مال ما
ourselves	خودمان
outdoors	خارج از منزل، در هوای آزاد بیرون
Outlaw	ی اغی، تقمرد، قتلون شریک غیرقانونی عالم کردن، موضوع ساحتن
outside	بیرون بیرون
over	پیشون دی جمع عنی زیاد و زیادہ و بیش الای، روی بالایی سرب فر از آن طرف پیلان طفتن به تها رسیدن

P

package	سٽمبسٽ مٺي ڏي ڪرڻ
page	سٽ فحہ
pain	درد، رنج، درد ڏاڍو ڏکي ڏيڻ
paint	رنگ اڳري ڪرڻ نقاشي ڪرڻ
piano	پيڻو
painting	رنگ ڪرڻ
pan	م اهيٽ ابه
pants	شلوار
paper	ڪاغذ
parents	والين
park	پارڪشهر
park	ولم بيل رپارڪ ڪرڻ
part	بخش قسم
participate	شريڪت ڪرڻ، مشاڪت ڪرڻ
party	م هٽلي
passport	گذرن امه
password	ڪلمه پيڪور، رمز پيڪور
pattern	الگو، طرح
pay	پول ڏاڍن پريداخت هونن ها اچرت
pen	خوڪار
pencil	مداد
people	مردم
pepper	پفل
pair	جفت، هر پيچز ڊو جزيئي
perhaps	ساي
person	شخص، فر، آدم، ڪس
pharmacy	داروخله
phone	تلفن
photograph	عڪس
piece	ٽڪه ٽڪه

pig	خوک
pillow	تھکامبلاشت
place	جگان، محل
plan	برنامہ (ریجن)
plant	طرح نقش کشی دن)
plate	شقاب
play	بازی کردن
play	ساز زدن، آلت موسیقی نواختن
player	نوراندہ، فریبشہ بازیکن بلوی کنورزشی
pajama	بیژاملی باس خواب
pleasant	خوش طند، لپفر، مطبوع
please	طفاء، خواہش مند ملت لطف کردن
police	پلیس
poor	فقیر
pour	ریجن (نخل آب ریجن)
popular	مشہور، معروف
powerless	بی قدرت، بی زور
Powerful	پر قدرت، قوی
position	موقعیت
possible	ممکن
percent	درصد
postcard	کیت پستال
pound	پونڈ (واحد وزن)
power	قدرت، زور
practice	تمرین کردن)
prepare	آمادہ شدن
present	حاضر (بودن)
president	ئی س جم ہور
press	شار دادن، لٹری فشار
pretend	وانمود کردن متظاہر کردن
pretty	زیبا، شہن گ
previous	پیشین، سابق، اسبقی، لٹوت، مقدم
price	قیمت بہا
probably	مختماً، شرطی
problem	مشکل، مسئلہ
produce	رلید کردن)
progress	پیشرفت کردن پیشرفت

pronounce	لفظ کردن
pronunciation	تلفظ
protect	محافظت کردن
province	پایتان
psychology	روان شناسی
pull	شیرینی در طرف خود کشیدن شیرینی در دندان
purse	کیسه پول (زنبه)
push	با زور جلو بردن ، هل دادن
put	قرار دادن گذاشتن

ر

quality	کفویت
question	سوال پرسیش
quick	تند، چالک فرز، چُن متسریع
quickly	بسرعت متند
quiet	خموش، آرامش، آرام، بیصدا، آرام کُردن ساکت کُردن ساکن

R

radio	راهیو
rabbit	خگوش
rain	باران باران آمدن بیلوردن
razor	یغصورتت راشی بتای غتاوشی دن
read	خوردن، مطالع کردن
race	بمابقه، مابقه دادن
radar	رادار (مسفلتی اب و ری اب راهیوی)
really	واقع، تحقیقی واقع!
receipt	بسی، عال موصول، دوفلترسی د دادن
receive	دوفلت اکردن، وصول اکردن
recently	اخیرا
recommend	فارش اکردن تهوی اکردن تهوی هشدن، عرفی اکردن
record	ضبط کردن ببت ضبط کردن)
red	رنگ قرمز
refrigerator	یخچال برقی
regret	بشیری ملی فاسوس متلف فاسوس خوردن
Religion	دین، مذهب
remember	ببها د/خاطر آوردن ببها د/ظرس پردن
remind	یادآوری اکردن، یادآوری شدن، یاد آوردن
rent	اجاره کردن
repair	تعمیر کردن
repeat	تکرار کردن

replace	نہجلی نیشن شدنی ا کردن، مجزی رت عوض کردن، چاگنوی ن کردن
reply	پس خ دادن
research	ت تحقیق کردن، محت ج و کردن
reserve	رزرو کردن
rest	استراحت کردن
rest	سطحین، نگران، بلقی مانده، لیلیقی ببقط ا
restaurant	رستوران
rainbow	رنگی ن کم ان
random	تصادفی، رن دوم
Ramadan	ماه رمضان
reverse	با رگشتت برگشتت برگردان دن برگشتن
review	مچ کوس) کردن (، وارونه
revise	ت مچی دن ظر) کردن)
rice	برنج
rich	ثروت میند و نگر
right	درست
right	سمت ربلت
ring	لحق مینگشتت
river	رودخله
road	جاده، راه، مچر
rock	صخره
room	مناق
rope	طناب
round	گرد، مدور، نظره وار دوبازی
rule	قاعه، قیلون
run	وی دن
row	صف
Russia	روسیه

S

sad	غمگین، ناراحت
section	بخش قسمت
safe	امن
salad	سالاد
salt	نمک
same	کسان، یعنی و اخت
sand	ملسه، شن، ریگ، شن کرانه دریا
sandwich	ساندویچ
Saturday	شنبه
save	ذخیره کردن
say	بفتمان بیان کردن
scarf	روسری
schedule	جدول زمان بندی
school	مدرسه
scientist	دانشمند
scissors	قیچی
secretary	دانشی، سپی و لہ فتر
score	انگیز، انگیز از گفتم، حساب انگیزات
scream	حی که غشیدن
seafood	غذای دریایی
season	فصل
seat	صندلی، ریسمان، نشیمنگاه
second	ثانی
secret	راز
see	دیدن
seem	بینظر آمدن، نمودن
sell	فروختن
send	فرستادن، ارسال لستن
seasick	دریا زده، متال به لتوفراغ و ہم خوردگی حال بی فردی
sentence	جمله

separate	جدا، جداگانہ، جدا کردن، تفکیک کردن
September	سپتامبر، نهمین ماه تقویم سریسی
serious	جدی
several	چند، چندین، برخی، از، متعدد
shampoo	شامپو
share	سهمت کردن، تقسیم کردن
seed	بذر، دانه
shave	الاح صورت
she	او، آن دختر، زن، چلوور ماده
shirt	پیراهن
shoes	کفش
short	کوتاه، کوچک شکل و ارا کوتاه
should	باید، بجا، بجا (زمان مضی و لیل مفعول فعل معین shall)
shoulder	شانه، دوش، شانه
shout	داد زدن، فریاد
show	نشان دادن، نمودن
show	نمایش
shower	دوش حمام
shut	بستن، برهم نهادن، بستن، مسدود
sick	مریض، بیمار
sign	امضاء، کردن، امضاء
sign	نشان، نشان، علامت، ابلی گهی ها
silent	سکوت، بیصدا
simple	ساده، کردن، راحت
since	بعد از، پس از، از وقتیکه
sing	آواز خواندن
Sir	آقا، شخص مضمزم، شخص وال مقام
sister	خواهر
sit	نشستن، لیسوس کردن
situation	قوعیت، وضعیت
size	سایز، اندازه
ski	اسکی، اسکی بازی کردن
skill	مهارت
skin	پوست
skirt	دامن
sky	آسمان
sleep	خوابیدن

slow	هسته، آهسته، آهسته
slower	آهسته تر
slowly	به آهستگی، به آرامی
small	کوچک
smart	زرنگ، زیرک، باهوش
smell	بو دادن، بو کردن
smile	لبخند زدن
smoke	دود سیگار کشیدن
snack	مار
sneeze	عطسه، عطسه کردن
snow	برف، برفباری
so	پس، پس
soap	صابون
soccer	فوتبال، فوتبال
socks	جوراب
site	جاء، محل، مکان
software	نرم افزار
solution	راه حل
some	برخی، بعضی، چندان، قدری کمی از، تعدادی
someday	عضی روزها
someone	کسی، شخص، کسی
something	چیزی، چیزی، چیزی
sometimes	عضی وقتها
son	پسر، پسر
song	آواز، ترانه
soon	زود، زود، زود
sore	زخم، زخم، جراحت
sorry	پشیمان، پشیمان
skate	اسکی، اسکی، اسکی
skyscraper	آسمان خراش
seaside	دری کناره
so-so	نه، نه خوب و نه بد، متوسط
sound	صدا دیدن
soup	سوپ، سوپ
sour	ترش، ترش، ترش
south	جنوب

speak	صحبت کردن
sea	دیا
special	مخصوص
spell	هجی کردن
spend	صرف کردن، پرداخت کردن خرج کردن
spicy	اویه دار، ملویه زه، قلیلی
spoon	قاشق
sport	ورزش
spring	بهار چشمه بئر
stair	پله پله کان
stamp	تمبر
stand	ایستادن، طس کردن
standard	ستان دارد
scholarship	کمزین هانش جوی، بیوس هانش جوی
star	ستاره
start	استارت، شروع، آغاز
station	ایستگاه، چلگاه، طسنگاه، لوس و غیره
stay	ماندن، توقف کردن، نگاه نشستن
steak	لوی ک مگوش تک بلی (سوی ک)
steal	دستبرد زدن، دوی دن بس رق تب کردن، پودن
steam	بخار، بخار آب بخار دادن بخار کردن
scan	انکین کن، پوی ی دن
still	فوزب ازهم، هنوزهم، معق ک
stranger	لشن اسپیی گانه، خارجی
stomach	شکم
saw	اره کردن
stop	طس تایی ستادن، توقف کردن، ازک ارافتادن
store	لبار، مخزن، لودوخن، لبار کردن
straight	رلست، مستقیم
strange	حجیب، غیر معمولی
street	خیابان
stretch	شیدن، کش آمدن، کش آوردن، کش دادن، کش ادش دن، اتجاع
strong	قوی، پر زور

student	دانش آموز
study	مطالعه کردن، درس خواندن
stupid	کودن، احمق
subtract	کسر کردن، کم کردن، تفریق کردن، بجا آوردن
subway	مترو، قطار زیر زمینی
succeed	کامیاب شدن، موفق شدن
sugar	شکر
suggest	پیشنهاد کردن
summer	تابستان
sun	خورشید
Sunday	یکشنبه
sunglasses	عین کافتابی
sunny	فتابی
supermarket	مغازه بزرگ
supply	تأمین کردن، فراهم کردن
support	حمایت کردن
sausage	نخاع جبهس، سوسیس
surprise	سوسیس
swear	سگیند خوردن، قسم دادن
swear	بجوش سوزان گفتن
sweater	پلیوور، ژاکت
sweet	شیرین خوش، مطبوع
swim	شنا کردن

T

table	میز
tail	دُم
take	برفتن و رفتن از آن
taboo	تبلو، حرام من عیاً نهی مہبی، حرام شمرده
talk	حرف زدن
tall	بلند بلند
tape	بند واری قیطان بستن، نوار نواضب طصوت ضبط کردن نوار چسب، نوار زدن
taste	مزہ، مزہ دادن، شجی دن
taste	ذوق، سطقہ
tag	نشانک چسبان دن بہ بر چسب زدن بہر چسب
taxi	تکسی
tea	چای
teach	درس دادن
team	تیم گروہ
teeth	(صورت جم عکلمہ tooth، دن دله)
tell	بفتن بی ان کردن بقول کردن
temperature	دما
tennis	بازی تنیس
terrible	تسری اربد مطلقاً، سہ فیک
test	آزمون، آزلش، انقح ان کردن، محک، محک زدن
Texas	استاتہ کزاس ردکشور امویک
than	بب تبہ تاء، کہ تاطن کہ بہ جز، غیر از
that	آن، اش ارب دور، آئی کی کہ بہر ای لک

their	خودشان، مالیشان، مالانها
translator	مترجم
them	ایشان را می‌شناسانید
themselves	خودشان، خودشانرا
then	سپس (پس از آن) (بعد، نگاه، در آن هنگام)
transfer	انتقال، انتقال دادن، منتقل کردن
theory	نظریه
there	آنجا، در آنجا، آنجا، آنجا، آنجا، آنجا
these	اینها، اینان
they	ایشان، آنان
thick	پهن، پهن، پهن
thin	نازک، نازک، نازک، نازک، نازک، نازک
thing	چیز، شیء
train	ورزش کردن
think	تفکر کردن
tunnel	تونل
tragic	حزان‌گیز، غم‌انگیز
this	این، این صورت جمع آن these است
those	آنها، آنان
thought	فکر، اندیشه، فکر، خیال
Traffic lights	چراغ راهنمایی و رانندگی
throat	گلو، گلو، گلو
throw	پرتاب، انداختن، پرت کردن، افکندن
Thursday	پنجشنبه
ticket	بلیط
tie	دستمال گردن، کراوات
tie	گره، گره زدن
time	زمان، وقت
tiny	کوچک، کوچک، بسیار کوچک
tip	نکته
tire	خستگی، خستگی
tissue	دستمال کاغذی
today	امروز
toe	انگشت شست پا
tradition	رسوم، سنن
together	با هم، به همراه
toilet	توشوئی، سرویس بهداشتی

told	(زمان لمضي ولى م فمع ولف عمل tell) (گفته شده)
tomato	گوج فرنگي
tomorrow	سردا
tonight	اڻسب
tool	بلزار
toothbrush	مسواک
top	سربال، اوچوقوئي چلي
total	ڪل ڪلي تمام، مجموع، جمع، جملو، سرجمع، حاصل جمع
touch	لمس ڪرڻ
tourist	توريس تگ شنگر، چانگرد، سڙاڇ، چانگري ڪرڻ
towel	حوله
town	شهر
tractor	ترڪٽور
toy	اسباب بازی
traffic	تلفيڪ، حمل و نقل، فت و آمد
train	قطار
translate	ترجمو ڪرڻ
trash	اشغال
travel	مفرت ڪرڻ
treat	تار ڪرڻ
treat	درمان ڪرڻ
tree	درخت
triangle	تڙيٺ
trip	گردش ڪرڻ گردش
truck	بارڪش، ڪاهون
true	درست، صحيح، وڻجي
truth	حقيقت
try	ڪوشش ڪرڻ، ڪوشش ڪرڻ
t-shirt	پيراهن تي ڪوتاه
Tuesday	سهنڙهه
turn	نوبت
turn	برگرهنهه ڇانگش، تن، چرخي ڏيڻ، گرد ڏيڻ
TV	ٽي ويون

twice	دومرتبه
type	نوع قسم، رقمگونه
type	های پکردن، هشرت حور، هشرتن كردن

ۛ

ugly	زشت رو بد چهره
umbrella	پتھر
uncle	عمو، نظی
under	زیر، متحت
understand	سمی دن، تفوج مش دن
underwear	زیر پوش، زیر جامه لباس زیر
university	ان شگاہ
unmarried	مجرد
unoccupied	تسغال نشده، غلی بدون مستاجر
until	تا وقتیکه، وقتی که متا وقتی که
up	ال، روی بالایی
upstairs	لبق بالایی
us	ما را بما، خودمان، نسبت بما
use	لتنفاه کردن
useful	مفید، قبیل لتنفاده
useless	غی فیدی، دغی ر قبیل لتنفاده
usually	مع مولا

v

vacant	مطلی، ماشغال نشده، هتاق، صرفی...)
vacation	مرخصی، گفین، بمت عطل فین
vacuum	ال، فضایت هی، ظرفی اج ایپی هوا جارو پیرقی بجاجارو پیرقی پیت هیز کردن
vase	گلدان
vegetables	سبزیجات
very	بسیارخیلی پیبسی، چندان فراوان، زیاد
village	روستا
vegetarian	گیاه خواری (ژی م غنی)
visit	دیدن کردن از، ملاقات کردن، زیارت کردن، عیادت کردن، رکش ی کردن دی و بلویدی کردن، ملاقات، عیادت با زدی دی دار
vitamins	ویتامین
voice	صدا، صوت
vote	رای، رأی دادن
Vein	رگ، ورید

w

wait	لقظار، صبر، معطبي
waiter	پيش خدمت مرد
waitress	پيش خدمت زن
walk	رهارفتن
wall	دیوار
wallet	کی فپولی کی ف مچی
want	خولیت، خولیت، خولیت، الزم لشتن، رفاز من لب و دونه
war	جنگ، جنگی دن
warm	گرم
wash	سستن
watch	پیل دن، لمقبت كردن، مواظب بودن بر كسین نظارت كردن ساعتی بی و مچی، ساعت
water	آب
we	ما
weak	مق اومت، سست كم دوام، صعیف، كم بیه، كم زور
weather	آب و هوا
website	دگاه اینترنتی
wedding	شمن عروسی عروسی
wednesday	چ لرشنبه
week	هفته
weekend	تخیلی آخر هفته
well	راح نقب سیرار خوب، به به شم، او، مخیلی خوب
west	غرب
wet	خیس، مرطوب
What?	المت لشف هام، حرف بط، چه، كدام،

	چقدر، هرچه، انچه، چلن دازه، چه مقدار؟
wheel	چرخ رل لمپن
When?	کسی؟ چه زمینی؟
Where?	کجا؟
Which?	کدام؟
Which?	کدام؟
white	فید
Who?	چه کسی؟
whose	مال پلکسی، مال کئی؟
Why?	چرا؟
wide	پهن، عریض گش اووسی ع
wife	همسر (زن)
win	بردن پیروز شدن فنک شدن
wind	باد
window	پنجره
windy	بادی طوفانی
winner	برنده فنک
winter	زمستان
wagon	واگن (با واگن حمل کردن)
wish	ارزو داشتن، ارزو کردن، ارزو، خواهش
with	با به همراه
without	بدون، فنک
woman	زن
women	زنان
wood	چوب
woods	جنگل صنوعی
word	کلمه، واژه
work	کار، شغل
workplace	محل کار
world	دنیای، جهان
worse	(و بدتر، بدتر، و خجتر، بدتری)
Wow!	ای واد کئی از خوش حالی و تعجب و حیرت، چیز جالب و فوق شدن
worst	بدترین بدتر از همه
write	نوشتن
wrong	غلط

X

Y

yawn	دهن دره كردن، خه ازكش یدن
year	سال
yellow	رنگ زرد
yes	بله، آری
yesterday	فروز
yet	فوز
you	تو، شما
young	جوان
your	مال شما، مربوط به شما، تعلق به شما
yard	محوطه، میدان
yourself	خود شما، شخص شما (مفرد)
yourselves	خویشان، خود شما (جمع)

Z

Zero	سفر، ہیچ
zoo	باغ وحش

آشنایی با مولف:

پوریابزرعلی (زرا)

متولد 1362- کرمان

کارشناس مهندسی کشاورزی

(کرایش زراعت و اصلاح نباتات)

کارشناس ارشد بیوتکنولوژی

کارشناس ارشد فلسفه

مبتکر، محقق، پژوهشگر، مؤلف، مترجم

راههای ارتباطی با من:

www.zarrad.blogfa.com

pooryabarzali@gmail.com





در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

